

## کشتن به انگلیسی چی میشه؟

Hey guys!

سلام بچه ها!

In this lesson

تو این درس

we are going to learn the different vocabulary

میخوایم لغات مختلفی رو یاد بگیریم که

you can use to refer to taking somebody's life.

میتونید برای اشاره به "گرفتن جون کسی" استفاده کنید.

Yeah!

آره!

Behead

سر بریدن

It means to cut off someone's head

یعنی قطع کردن سر کسی

as a punishment.

به عنوان مجازات.

For example:

برای مثال:

He was beheaded in 1894.

او در سال ۱۸۹۴ گردن زده شد.

Kill

کشتن

To make an animal or person die.

باعث مرگ یه آدم یا حیوون شدن.

For example:

برای مثال:

Marry held a gun to his head

مری تفنگ رو گذاشت رو سرش

and threatened to kill him!

و تهدیدش کرد به کشتن!

Genocide

قتل عام / نژادکشی

or ethnic cleansing

یا پاکسازی قومی

It means the deliberate act of murdering

یعنی اقدام عمدی به قتل رسوندن

a whole group or a race of people.

یه گروهی از مردم یا یه نژاد.

For example:

برای مثال:

The military leaders were accused of genocide.

رهبان نظامی متهم به قتل عام شدن.

Execute

اعدام کردن

It means to kill someone

یعنی کشتن کسی

as a punishment for a crime.

به عنوان مجازات یه جرم.

Well I actually have a good example for it.

راستش واسه این یه مثال خوب دارم.

McVeigh who killed 168 people in bombing attack

مک وی کسی که ۱۶۸ نفر رو تو بمب گذاری کشت

was executed by lethal injection.

با داروی کشنده اعدام شد.

That was a hard sentence, wasn't it?

جمله ی سختی بود، نه؟

Assassinate

ترور کردن

To deliberately kill an important person

کشتن عمدی یه آدم مهم

especially politician.

مخصوصا سیاستمدار.

For example:

مثلا:

It was part of a plot to assassinate Hitler.

کشتن هیتلر بخشی از یه توطئه بود.

Murder, homicide ,slaughter

قتل

They all mean the crime of

همشون به معنی جنایت

deliberately killing someone.

کشتن عمدی کسی هستن.

For example:

مثلا:

The man accused of her murder

مردی که به قتل او متهم شده بود

will appear in the court today.

امروز تو دادگاه حضور پیدا میکنه.

Slay

با خشونت کشتن

It means to kill someone or something in a violent way.

یعنی کشتن کسی یا چیزی به صورت خشن.

This word is mostly used in old stories

این کلمه اغلب تو داستان های قدیمی استفاده میشه

or newspaper reports.

یا خبرهای روزنامه.

For example:

برای مثال:

Two teenagers were slain in the shooting.

دو تا نوجوون تو تیراندازی به شکل خشنی کشته شدن.

That's bad!

خیلی بده!

Suicide

خودکشی

The act of killing yourself

عمل کشتن خودتون



For example:

مثلا:

More people commit suicide at Christmas

بیشتر مردم تو کریسمس خودکشی میکنند

than at any other time of the year.

نسبت به زمانای دیگه ی سال.

Seriously why?

جدا چرا؟

I mean they feel lonely?

یعنی احساس تنهایی میکنن؟

Alright everybody that was it!

خب بچه ها، همین بود!

If there is still a word

اگه هنوزم کلمه‌ای هست

that I didn't mention somehow

که بهش اشاره نکردم

you can add it you know where

خودتون میدونید کجا اضافه ش کنید

down below in the comment section.

پایین تو قسمت کامنت‌ها.

By the way Christmas is coming

راستی کریسمس نزدیکه

so don't commit suicide!

پس خودکشی نکنید!

And I'm gonna see you soon.

و به زودی مبینمتون.

Action

اکشن

Hey guys

سلام بچه ها

In this lesson...

تو این درس...

In this lesson

تو این درس

we're going to learn

میخوایم

the different vocabulary

لغات مختلفی رو یاد بگیریم که

you can use to refer to taking someone's life.

میتونید برای اشاره به "گرفتن جون کسی" استفاده کنید.

Can I just take off the hat?

میتونم کلاه رو بردارم؟

No

نه

It looks ridiculous on me.

خیلی مسخره س رو کله م.

with this shall, I mean...

با این شال آخه، یعنی...

just do it...

کارتو بکن...

Do I have to chew this?

حتما باید اینو بجوعم؟

tastes like wood!

مزه ی چوب میده!

Do it and smile at the camera!

بجو و به دوربین لبخند بزن!

Attagirl!

دختر خوب!